

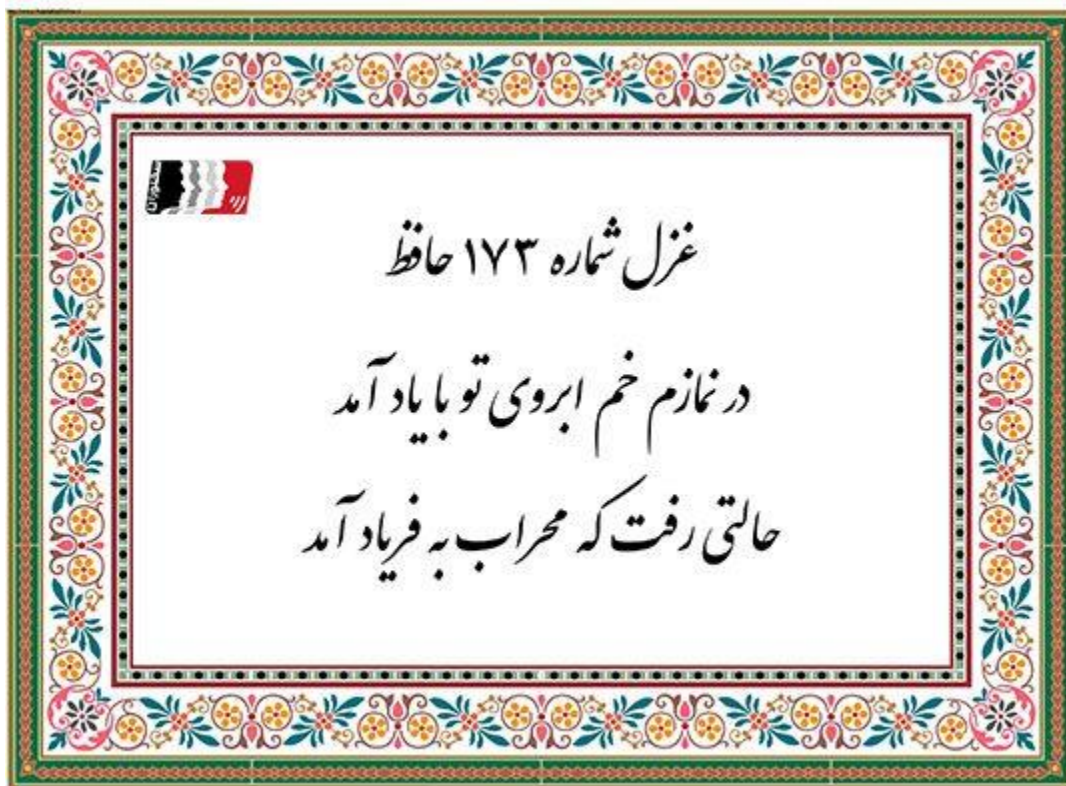
متن، معنی، شرح و تفسیر غزل شماره ۱۷۳ حافظ

در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد
حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

غزل ۱۷۳ حافظ با در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد آغاز می شود. وزن غزل در نمازم خم ابروی تو ، فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعل
لن (بحر رمل مثنی مخبون اصلم) می باشد. در ادامه می توانید متن کامل غزل و همچنین معنی لغات و شرح و تفسیر ابیات را
مشاهده کنید. در شرح و تفسیر از کتاب شرح سودی بوسنوی ، شرح حافظ دکتر خطیب رهبر، دکتر عبدالحسین جلالیان و
شرح شوق دکتر حمیدیان بهره گرفته شده است.

آنچه در ادامه می خوانید:

- ۱- متن غزل
- ۲- شرح و تفسیر غزل
- ۳- معنی غزل و لغات



متن غزل ۱۷۳ حافظ

در نمازم خَمِ ابروی تو با یاد آمد
حالتی رفت که مِحْرَاب به فریاد آمد!

از من اکنون طَمَعِ صبر و دل و هوش مدار
کان تحمّل که تو دیدی، همه بر باد آمد

بادۀ صافی شد و مرغانِ چمن مست شدند
موسِمِ عاشقی و کارِ به بنیاد آمد

بوی بهبودِ ز اوضاعِ جهان می شنوم
شادی آورْدُ گُل و بادِ صبا شاد آمد

ای عروسی هنر! از بَخْتِ شکایت مَنِمَا
حِجْلِهٔ حُسْنِ بیارای، که داماد آمد

دلفریبانِ نباتی همه زیور بستند
دلبرِ ماست که با حُسْنِ خداداد آمد

زیر بارندُ درختان، که تعلق دارند
ای خوشا سرو، که از بارِ غم آزاد آمد

مُطْرِب! از گفتهٔ حَافِظ، غزلی نَغَزُ بخوان
تا بگویم، که ز عهدِ طَرَبَم یاد آمد

شرح و تفسیر غزل ۱۷۳ حافظ

به نظر می رسد که حافظ در این غزل، به غزلی از سعدی با این مطلع نظر داشته است:

درخت غنچه برآورد و بلبلان مستند
جهان جوان شد و یاران به عشق نشستند

در ادامه این غزل سعدی دو بیت دیگر است که در مورد سرو آزاد و همچنین ایهام کلمه بار است که مشابهت های زیادی با این غزل خواجه دارد:

مثال راکب و دریاست حال کشتهٔ عشق
به ترک بار بگفتند و خویشان رستند

به سرو گفت کسی میوه ای نمی آری
جواب داد که آزادگان تهیدستند

در نماز خَمِ ابروی تو با یاد آمد حالتی رفت که محراب به فریاد آمد!

نماز: [نَ] بندگی . اطاعت . فرمان برداری || سجده . سر به زمین نهادن . کرنش . تکریم . تعظیم || عبادت و عرض نیاز به سوی خدای عالمیان به طریقی که در شریعت پیمبران وارد شده

خَمِ ابرو: کمان ابرو

با یاد: به یاد . در سده های ۳ تا ۵ استفاده از با به جای به مرسوم بوده است.

محراب: [م] جای امام در مسجد. طاق درون مسجد که به طرف قبله باشد چون طاق مذکور آلت حرب شیطان است لهذا محراب نام کردند. مضمون محراب ابرو به کرات توسط شاعران استفاده شده است. شاعران گاهی وانمود می کنند که جلوه ابروی یار، حضور نماز را از آنان می گیرد. خواجه در بیتی می فرماید: می ترسم از خرابی ایمان، که می برد / محراب ابروی تو حضور نماز من

معنی بیت: در هنگام نماز و سجده به یاد ابروی زیبای تو افتادم و چنان حالتی به من دست داد و چنان فریاد و ناله ای سر دادم که محراب هم با همه متانت و وقار و سکوتش با من به جوش و خروش در آمد.

از-----

من اکنون طَمَعِ صبر و دل و هوش مدار
کان تحمّل که تو دیدی، همه بر باد آمد

اختلاف نسخ: در برخی نسخ در مصرع دوم به جای تحمل، تجمل آمده است: کان تجمل که تو دیدی، همه بر باد آمد

طَمَعِ مدار: طمع داشتن به معنی امی داشتن و چشم داشتن است. طمع مدار یعنی از من توقع نداشته باش

دل: جرات، شهامت

هوش: زیرکی و آگاهی و شعور و عقل و فهم و فراست و هوشیاری را گویند

تحمل: [تَ حَ مٌ] بردباری، شکیبایی

بر باد آمد: به باد رفت، نابود شد، تلف شد، ضایع شد

معنی بیت: از من اکنون توقع صبر و شکیبایی و شهامت و عقل و شعور و هوشیاری نداشته باش که عشق جانان، همه صبر و شکیبایی که قبلاً از من دیدی را از بین برده و طاقت مرا طاق کرده است.

**باده صافی شد و مرغان چمن، مست شدند
موسم عاشقی و کار به بنیاد آمد**

باده: شراب

صافی شد: [شُد] نقیض کدر شدن، زلال شد، صاف شد

مرغان چمن: آن را بلبل یا عندلیب معنا کرده اند. البته هم می تواند جمع بلبل هایی که در باغ هستند باشد و یا جمع تمامی مرغان خوش آواز باغ مانند چکاو و فاخته و بلبل و ...

موسم: [مَس] هنگام هر چیزی . گاه . وقت

کار به بنیاد: کار اساسی و محکم، کار اصولی و به قاعده . دکتر حمیدیان در شرح شوق اعتقاد دارد که کار به بنیاد درست است مانند امروز که می گوئیم کار بنیادین. البته که در خوانش و دکلمه شعر، هم با کسرۀ ر و هم با سکون ر صحیح است.

معنی بیت: شراب ها رسیده اند و صاف و زلال شده اند و بلبلان باغ آواز می خوانند و فصل بهار که موسم عاشقی و مستی و میگساری است رسیده و کارها به قاعده و روال شده است.

**بوی بهبود ز اوضاع جهان می شنوم
شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد**

بهبود: [ب] خیریت و معنی ترکیبی آن به بودن است . بهتری . ترقی تدریجی

باد صبا: باد مشرق، پیام آور بین عاشق و معشوق

معنی بیت: از اوضاع جهان بوی خوبی می شنوم. فصل بهار شده است و گل ها شکفته اند و با خود شادی و طرب آورده اند و باد صبا هم شادمانه بوی عاشقی با خود آورده است.

ای عروسِ هنر! از بختِ شکایتِ منما
حجلهٔ حُسنِ بیارای، که داماد آمد

هنر: [ه ن] در عصر حافظ معنای هنر با معنای امروزی آن متفاوت است و به معنای علم و معرفت و دانش و فضل و فضیلت و کمال استفاده می شده است

بخت: [ب] مقدر و نصیب || دولت . اقبال

حجله: [ح ل / ل] این کلمه در عربی بفتح حاء و فتح جیم آمده لکن در تداول فارسی نظماً و نثراً بکسر حاء و سکون جیم است . خانهٔ آراسته به تخت و جامه و پرده برای عروس . اطاق و حجره ای آراسته و زینت شده جهت عروس و داماد . خانهٔ آراسته برای عروس در شب زفاف

حسن: [ح] زیبایی، جاهت

معنی بیت: حافظ خطاب به علم و فضل و معرفت و دانش خویش می فرماید که ای عروس فضایل و کمالات عالم، از بخت و اقبال خود شکوه و شکایت نکن و زیبایی و نیکویی هنر و معرفت خود را نمایان کن که طالب هنرت آمده است.

دلفریبانِ نباتی همه زیور بستند
دلبرِ ماست که با حُسنِ خداداد آمد

نباتی: منسوب به نبات، شیرین

دلفریبانِ نباتی: دلبران و محبوبان زیبارو و شیرین سخن

زیور: آرایش، زینت

حُسنِ خُداداد: زیبایی ذاتی و فطری

معنی بیت: دلبران و محبوبان شیرین سخن همه آرایش کردند و زیور و زینت بستند. فقط محبوب و معشوق ما بود که به لطف زیبایی ذاتی و فطری اش، بدون آرایش و زیور و زینت آمد.

زیر بارند درختان، که تعلق دارند
ای خوشا سرو، که از بار غم آزاد آمد

بار: ایهام ظریفی دارد و به سه معنای میوه، سنگینی و تعلق و وابستگی می تواند باشد

تعلق: [تَعْلُقُ] ایهام دارد هم به معنای وابستگی این جهانی و هم به معنای آویختگی میوه است

سرو: [سَ] درخت سرو هم مانند صنوبر و نرگس به صفت آزاده متصف است. حافظ هیچ گاه از سرو آزاد استفاده نکرده ولی در مواردی آن را با فاصله از آزاد آورده است.

معنی بیت: درختانی که میوه و بر دارند، زیر بار میوه خود، خمیده شده اند و به زحمت افتاده اند. خوشا به حال کسی که چون سرو، از بار تعلقات آسوده و آزاد است. مراد آنکه سختی و مشقت و رنج و محنت به سبب تعلق است. درخت سپیدار هم مانند سرو بدون بر و بار است و مولانا این کمبود را به رخس می کشد و می گوید: گر گلم بودی و میوه، همچو تو خود بینمی، و سپیدار در جواب می گوید: فارغم از دید خود، بر خودپرستان دیدبان. سرو نیز نه در معرض سنگینی بار میوه خود است نه در معرض تکان دادن و سنگ زدن طفلان که سعدی می فرماید: که هیچ کس نزند بر درخت بی بر سنگ

مُطْرِب! از گفته حافظ، غزلی نَغْزُ بخوان
تا بگویم، که ز عهدِ طَرَبِمْ یاد آمد

مطرب: [مُ ر] خنیاگر. اهل طرب و مغنی و آوازخوان و ساززن و رقاص. رامشگر

نغز: [ن] نیکو، طرفه، هر چیزی که عجیب خوشایند باشد

عهد طرب: [ع د ط ر] روزگار شادی

معنی بیت: ای مطرب، از شعرهای حافظ غزلی نیکو بخوان تا آنچه از روزگار شادی و دوران خوشی به یادم آمد را بگویم.

نویسنده: دکتر زند